

تحلیل اختلاف الحدیثی روایات مکان اعتکاف در منابع روایی شیعه

محمدجواد حسینی^۱

چکیده

اعتکاف یکی از شاخص‌ترین نمادهای عبودیت و دنیاگریزی در اسلام به‌شمار می‌رود که اهتمام ویژه معصومان علیهم‌السلام در پاسداشت آن، کم‌نظیر است. در میان احکام و آداب اعتکاف، مکان آن، اهمیت ویژه‌ای دارد. «مسجد» به‌عنوان مکانی مشخص برای انجام این عبادت، تعیین شده اما در اینکه کدام مسجد مورد نظر شارع است، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. چندگانگی نظرات فقهی، معلول اختلاف در روایات این باب است. برخی روایات به‌طور مشخص و انحصاری از مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، بصره و یا مدائن به‌عنوان مکان اعتکاف، نام برده‌اند؛ دسته دیگر، مسجد جامع هر شهر را به‌صورت مستقل و یا در کنار مساجد قبلی معرفی کرده‌اند؛ تعدادی هم وقوف در مسجد جماعت را با ویژگی‌های خاص، برای انجام یک اعتکاف مشروع، شرط دانسته‌اند. در این نوشتار تلاش شده با روشی نوآورانه، روایات مربوطه را بر اساس محتوا در سه دسته پیش‌گفته، چیش کند و نظرات فقهی هر دسته را مرور نماید و در پایان با هدف رسیدن به مراد واقعی معصوم، اسباب اختلاف این روایات را شناسایی کرده و به تحلیل و بررسی آنها بپردازد.

واژگان کلیدی

اعتکاف، مسجد الجامع، مسجد الجماعة، فقه الحدیث، اختلاف الحدیث

مقدمه

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل مطرح در موضوع اعتکاف، مکان آن است. در دیگر مسائل اعتکاف تقریباً اختلاف چندانی بین فقهای شیعه با علمای عامه وجود ندارد. از آنجا که کتاب و سنت اصلی‌ترین منابع برداشت احکام شرعی هستند، لازم است که منشأ اختلاف‌ها را در آنها جستجو نمود. گاهی اختلاف در شیوه برداشت از آیات و روایات است و گاهی اختلاف ظاهری در خود متون وجود دارد و گاهی نیز عوامل بیرونی و پیش‌فرض‌ها، فقیه را به‌سوی نظری سوق می‌دهد. در موضوع

۱. دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم؛ (m.javadsani@yahoo.com).

مکان اعتکاف، علاوه بر نقش‌آفرینی مبانی فقهی، گوناگونی متون روایی نیز در اختلاف فتاوا تأثیر داشته است. رفع اختلاف از ظاهر متون مقدس، می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات را حل و فصل نماید و نظرات را به یکدیگر نزدیک‌تر نماید.

افزایش نیاز جامعه به معنویت و استقبال روزافزون مردم و جوانان از عباداتی همچون اعتکاف، ضرورت بررسی مسائل شرعی آن را دوجندان می‌کند. تحقیقاتی که تاکنون پیرامون این مسئله انجام شده در قالب کتاب‌ها و جوامع فقهی بوده و توجه کمتری به متون روایی این مسئله شده است. شناخت اسباب اختلاف بین روایات یک موضوع، به تحلیل محتوای آنها کمک بزرگی خواهد نمود. در این نوشتار تلاش می‌شود با دسته‌بندی و تحلیل محتوایی روایات مربوط به مکان اعتکاف از اختلافات موجود در آن کاست. بر همین اساس، در ابتدا همه روایات مربوط به مکان اعتکاف گردآوری و در قالب سه دسته، تقسیم‌بندی شده‌اند. تعیین و تصریح به نام برخی از مساجد خاص و یا عناوین عام مانند مسجد جامع و مسجد جماعت، موضوع محوری این روایات است. در ضمن هر دسته، به فتوای فقهی فقهای متقدم که مبتنی بر آن روایات بوده اشاره شده تا تأثیرگذاری روایات در نظرات فقهی به‌خوبی نشان داده شود. در ادامه، مفاهیم و مقولاتی که سبب این چندگانگی شده‌اند بررسی و تحلیل می‌شود.

الف) گونه‌شناسی روایات

روایات امامیه در باب اعتکاف بیش از روایات عامه است. همچنین از لحاظ محتوایی نیز گستردگی قابل توجهی دارند. یکی از مسائل اعتکاف، مکان آن است که روایات متعددی را به خود اختصاص داده و در سه گروه، دسته‌بندی می‌شود. در این بخش ضمن ارائه دسته‌بندی‌های روایی، بیان و نظرات فقهی متأثر از آنها نیز مطرح خواهد شد.

دسته اول: مساجد خاص و معین

تعدادی از روایات مربوط به مکان اعتکاف از مساجد مشخصی نام می‌برد و انجام اعتکاف را در آنها مشروع می‌داند. برخی از آنها نیز به‌گونه‌ای صادر شده‌اند که نوعی انحصار در مساجد معین را القا می‌کنند. در ادامه روایات این دسته ارائه می‌شود.

۱. اعتکاف در مساجد سه‌گانه

برخی از احادیث مکان اعتکاف را فقط سه مسجد معرفی نموده؛ مانند روایتی که داود بن سرحان از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است:

لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْاِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ

الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ جَامِعٍ وَلَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يُخْرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا
لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ الْمَرْأَةُ مِثْلَ ذَلِكَ.^۲

طبق این روایت از امیرمؤمنان علیه السلام گزارش شده که اعتکاف تنها در مسجدالحرام، مسجدالنبی و مساجد جامع صحیح است. از ترکیب «لا» و «الا» نیز می‌توان نوعی انحصار را برداشت کرد. البته این انحصار می‌تواند مطلق نباشد بلکه حصر اضافی باشد که می‌توان افضلیت و یا اکملیت افراد را از آن برداشت نمود.

شیخ طوسی رحمته الله نیز حدیث مذکور را با تفاوت‌هایی در متن و سند آورده و همان سه مسجد را مکان اعتکاف شمرده است:

...عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ
الْإِعْتِكَافِ فِي رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى
الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ فِي مَسْجِدِ
جَامِعِ.^۳

۲. اعتکاف در مساجد چهارگانه

در برخی روایات صلاحیت برگزاری اعتکاف را فقط در چهار مسجد داشته است؛ مانند روایت:
...عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْإِعْتِكَافِ قَالَ لَا
يُضَلُّحُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ص أَوْ
مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا.^۴

طبق این روایت، امام صادق علیه السلام صحت اعتکاف را تنها در چهار مکان مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد جماعت دانسته‌اند.

۳. اعتکاف در مساجد پنج‌گانه

برخی روایات مکان اعتکاف را پنج جا می‌شمارد؛ مانند روایت ذیل که راوی مشروع بودن اعتکاف در مساجد بغداد را از امام صادق علیه السلام مورد پرسش قرار داده که حضرت ملاکی را بیان می‌کنند و آن مسجد جماعتی است که امام عادل در آن نماز جماعت خوانده باشد. حضرت در ادامه، اعتکاف در مسجد کوفه، بصره، مدینه و مکه را بدون اشکال می‌دانند.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳. تهذیب، ج ۴، ص ۲۹۱.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

...عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَقُولُ فِي
 الْإِعْتِكَافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ
 جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَعْتَكِفَ فِي
 مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ.^٥

شیخ طوسی رحمته الله روایتی را این گونه آورده است:

...عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَقُولُ فِي
 الْإِعْتِكَافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ
 جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَعْتَكِفَ فِي
 مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ.

وَ فِي رِوَايَةِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ
 بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ مِثْلَ ذَلِكَ وَ زَادَ فِيهِ مَسْجِدَ الْبَصْرَةِ.^٦

شیخ طوسی رحمته الله روایت اول را از کلینی گزارش کرده با این تفاوت که مسجد بصره در آن قید
 نشده اما شیخ با سند علی بن حسن بن فضال مسجد بصره را نیز به مساجد مجاز، می افزاید.

٤. اعتکاف در مساجد شش گانه

مرحوم صدوق روایت قبل را با همان سند و با تفاوت های جزئی در متن، گزارش کرده است؛
 سپس در روایت بعدی که به عنوان تکمله آورده، مسجد مدائن را هم به مصادیق چهارگانه و
 «مسجد جماعة» افزوده است.

...عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا تَقُولُ فِي
 الْإِعْتِكَافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا قَالَ لَا تَعْتَكِفُ إِلَّا فِي مَسْجِدِ
 جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَعْتَكِفَ فِي مَسْجِدِ
 الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ.

وَ قَدْ رُوِيَ فِي مَسْجِدِ الْمَدَائِنِ.^٧

٥. الکافی، ج ٤، ص ١٧٦.

٦. تهذیب، ج ٤، ص ٣٩١.

٧. الفقیه، ج ٢، ص ١٨٤. مجلسی اول معتقد است که امام حسن علیه السلام در مسجد مدائن نماز جماعت خوانده است (روضه المتقین،

ج ٣، ص ٤٩٨).

بنا بر روایات این دسته، نام مسجدالحرام، مسجدالنبی، مساجد کوفه، بصره و مسجد مدائن به‌عنوان مکان‌های مشخص برای اعتکاف معرفی شده‌اند. البته در کنار این‌ها نام مسجد جامع و مسجد جماعت نیز به چشم می‌خورد که در ادامه بررسی خواهند شد.

برداشت فقهای متقدم شیعه از این دسته روایات چنین است که مسجد جامع و جماعت را یکی دانسته و اقامه نماز جمعه توسط معصوم را در آن شرط دانسته‌اند؛ یعنی اعتکاف تنها در مساجدی جایز است که پیامبر ﷺ و یا امام معصوم ﷺ در آن نماز جمعه اقامه کرده است. شیخ صدوق نیز در «المقنع» پس از نام‌بردن از مساجد مخصوص - مکه، مدینه، کوفه، بصره و مدائن - می‌نویسد:

عدل و قد جمع النبی ﷺ بمکه و المدینه و أمير المؤمنين ﷺ فی هذه

المساجد.^۸

دیگر فقیهان نیز به همین صورت مسجد جماعت را تقييد زده و غالباً چهار مسجد^۹ را به‌عنوان مصداق انحصاری برای مکان مجاز اعتکاف مشخص کرده‌اند.^{۱۰} برخی از فقها، این نظر را از منفردات امامیه دانسته^{۱۱} و از آن به اجماع تعبیر کرده که موافق احتیاط نیز هست.^{۱۲} در مقابل، برخی مانند ابن‌ابی‌عقیل فقط مسجد بودن را شرط صحت اعتکاف می‌داند^{۱۳} که به رأی غالب اهل سنت نزدیک است؛ چراکه آنها از آیه «وَ أَنْتُمْ عَلَافُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»^{۱۴} چنین برداشت کرده و «الف و لام» در «المساجد» را دال بر «استغراق» می‌دانند؛^{۱۵} اما فقهای امامیه «الف و لام» را «عهد» دانسته که اشاره به همان مساجد اربعه دارد.^{۱۶}

محقق حلی رحمته الله اعتکاف در مسجد جامع را کافی دانسته و فتوای مساجد چهارگانه را به‌صورت «قیل» گزارش می‌کند.^{۱۷} همچنین صاحب وسائل پس از ذکر این روایات می‌نویسد:

۸. المقنع، ص ۲۰۹.

۹. کشف الرموز، ج ۱، ص ۳۱۶، «أن علی بن بابویه جعل (موضع جامع البصرة) (مسجد المدائن) و ابنه محمد جعله خامسا».

۱۰. ر.ک: الخلاف، ج ۲، ص ۲۲۵؛ النهاية، ص ۱۷۱؛ إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، ص ۱۴۶؛ إرشاد الأذهان، ج ۱، ص ۳۰۵؛ تحرير الأحكام، ج ۱، ص ۵۲۲؛ قواعد الأحكام، ج ۱، ص ۳۹۰؛ الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۲۹۸.

۱۱. الانتصار، ص ۱۹۹.

۱۲. غنية النزوع، ص ۱۴۶.

۱۳. تذكرة، ج ۶، ص ۲۴۴.

۱۴. البقره، ۱۸۷.

۱۵. تذكرة، ج ۶، ص ۲۴۴.

۱۶. ر.ک: جامع الخلاف، ص ۱۷۰.

۱۷. مختصر النافع، ص ۷۳.

أَقُولُ: هَذَا مُحْمُولٌ عَلَى الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ لِمَا تَقَدَّمَ وَ كَذَا مَا تَصَمَّنَ

أَشْرَاطَ الْجُمُعَةِ وَالْحُطْبَةِ.^{۱۸}

شیخ حرّ عاملی درباره روایات نهی از اعتکاف در مساجد بغداد معتقد است منظور سؤال کننده و امام علیه السلام، مساجدی بوده که جامع نبوده‌اند و مراد از امام عدل، اعم از امام معصوم و غیر معصوم است. همچنین نماز را هم شامل صلاة یومیه و جمعه می‌داند؛ لذا مساجد چندگانه به‌عنوان افضل الافراد این عنوان (مسجد جامع یا جماعت) به‌شمار می‌روند؛ چراکه امام معصوم در آنها اقامه نماز جمعه کرده است.^{۱۹}

دسته دوم: مسجد جامع

تعدادی از روایات یا به‌صورت مستقل و یا پس از نام‌بردن و تصریح به مساجد چندگانه، «مسجد جامع» را نیز یکی از مکان‌های جایز برای انجام یک اعتکاف مشروع معرفی کرده‌اند. در ادامه این روایات مرور می‌شود.

۱. انحصار اعتکاف در مسجد جامع

روایت ذیل به‌روشنی و صراحت، از سوی امام صادق علیه السلام جواز اعتکاف در مسجد جامع را بیان کرده است.

...عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا بِصَوْمٍ فِي

الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ.^{۲۰}

البته مسجد با «الف و لام» ذکر شده که جای تأمل است. در صورتی که «الف و لام» برای استغراق باشد می‌تواند مؤید این نظر باشد که اعتکاف در همه مساجد جامع مشروع است. اگر «الف و لام» برای عهد باشد می‌تواند اشاره به نوع خاصی از مساجد جامع داشته باشد.

شیخ طوسی رحمته الله روایتی را این‌گونه آورده است:

...عَنْ عَلِيِّ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ قَالَ: الْمُعْتَكِفُ

يُعْتَكِفُ فِي الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ.^{۲۱}

روایت مزبور نیز با عبارت متفاوت، همان محتوای روایت نخست این دسته را بیان می‌کند.

۱۸. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۲.

۱۹. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۲.

۲۰. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۲۱. تهذیب، ج ۴، ص ۲۹۰.

۲. مسجد جامع در کنار دو مسجد خاص

روایتی مسجد الحرام، مسجد النبی و مسجد جامع را با «أو» در کنار یکدیگر قرار داده است.

مسجد جامع به صورت نکره بیان شده و می‌تواند بر مساجد جامع همه شهرها نیز حمل شود.

... دَاوُدُ بْنُ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي

الْعَشْرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَالَ إِنَّ عَلِيًّا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَقُولُ لَا

أَرَى الْاِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ مَسْجِدِ

جَامِعٍ ... ۲۲.

بر اساس روایات این دسته، مسجد جامع به صورت مستقل و یا در کنار مساجد چندگانه برای

اعتکاف مجاز شمرده شده است.

عده‌ای نیز در میان فقهای امامیه مسجد جامع را برای معتکف شدن کافی می‌دانند؛ مانند شیخ

مفید^(ع):

وَلَا يَكُونُ الْاِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ. ۲۳.

در ادبیات روایی، مواردی یافت می‌شود که از مسجد جامع به مسجد اعظم تعبیر شده است.^{۲۴}

شیخ طوسی نیز در شرح روایی این عبارت استادش، دو روایت صحت اعتکاف در مسجد جامع و

مسجد جماعت را نقل کرده^{۲۵} و منظور شیخ مفید از مسجد اعظم را روشن نموده است.

محقق حلی نیز انحصار در مساجد چهارگانه را نمی‌پذیرد و چنین می‌نویسد:

و أما الاعتكاف في غير المساجد الأربعة فقد أجازه بعض

الأصحاب في مساجد الجوامع دون غيرها و اختصاصه بالأربعة فيه

توقف. ۲۶.

۲۳. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶؛ این روایت با سند و تفاوت جزئی در متن توسط شیخ طوسی نیز گزارش شده است: «عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ

بْنِ فَصَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْاِعْتِكَافِ فِي رَمَضَانَ فِي

الْعَشْرِ قَالَ إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ لَا أَرَى الْاِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ فِي مَسْجِدِ الرَّسُولِ أَوْ فِي مَسْجِدِ جَامِعٍ» (تهذيب، ج ۴،

ص ۲۹۱).

۲۳. المقننه، ص ۳۶۳.

۲۴. ر.ک: تهذيب، ج ۳، ص ۲۵۳.

۲۵. تهذيب، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲۶. ر.ک: الرسائل التسع، ص ۲۵۶؛ شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۹.

محقق رحمته الله علیه، افزون بر اینکه اختصاص را نمی‌پذیرد، برای تقویت کلام شیخ مفید به روایت دوم از همین دسته روایات تمسک می‌کند که مسجد جامع در کنار مساجد دیگر ذکر شده است. همچنین محقق در «المعتبر» نقل می‌کند که شیخ طوسی و سید مرتضی مدعی اجماع فرقه بر صحت اعتکاف در مساجد چهارگانه شده‌اند و به منظور خدشه در این اجماع، به قول شیخ مفید، ابن‌ابی‌عقیل و «جماعة من الاصحاب» اشاره می‌کند که اعتکاف در همه مساجد جامع را صحیح می‌دانند.^{۲۷} همچنین پا را فراتر نهاده و می‌نویسد:

و ما ذهب إليه المفيد و أتباعه حسن و هو الأولى، لأنه أقرب إلى مطابقة القرآن و أبعد من تخصيصه و اعتكاف النبي صلى الله عليه و آله و غيره بالمساجد المذكورة لا يمنع من غيرها و احتجاج الشيخ بإجماع الفرقة لا نعرفه و يلزم ذلك من عرف إجماعهم عليه و كيف يكون إجماع و الأخبار على خلافه و الأعيان من فضلاء الأصحاب قائلون بضده.^{۲۸}

محقق حلی رحمته الله علیه، اجماع را به‌خاطر وجود روایات مخالف و همچنین آراء مخالف فقهای چون شیخ مفید نافذ نمی‌داند. فاضل آبی نیز قول شیخ مفید را برگزیده و چهار دلیل را برای آن برشمرده است؛ دلیل نخست: همین دسته روایات مورد بحث است. دوم: عمل به مقتضای اصل است و اصل همان انجام عبادت (اعتکاف) در محل عبادت است. غیر از مسجد جامع از اصل خارج شده و مساجد چندگانه نیز با اجماع داخل در اصل هستند؛ پس الباقی مساجد (یعنی مساجد جامع) تحت اصل باقی خواهند ماند. سوم: مخالفت کمتر با اصل است؛ لذا مساجد جامع جایز شمرده شده‌اند. چهارم: نیز حمل روایات مساجد چندگانه بر استحباب و افضلیت است؛ چراکه اگر فقط به این روایات عمل شود، دیگر روایات که مسجد جامع را هم قید کرده‌اند متروک خواهند ماند؛ اما در صورت افضلیت به هر دو دسته عمل خواهد شد.^{۲۹}

صاحب وسائل نیز اعتکاف در مساجد جامع را مجاز می‌داند، چراکه امام را شامل امام معصوم و غیر معصوم می‌داند و برای تقویت نظر خود به عبارت «الشَّاهِدِ الْعَدْلِ» که در روایات آمده و معنای اعم دارد تمسک می‌کند. همچنین روایاتی را که راوی از حکم اعتکاف در بعضی از مساجد بغداد سؤال پرسیده و امام آن را جایز ندانسته، بر مساجد غیر جامع بغداد حمل می‌کند.^{۳۰}

۲۷. المعتبر، ج ۲، ص ۷۳۰.

۲۸. المعتبر، ج ۲، ص ۷۳۲.

۲۹. ر.ک. کشف الرموز ج ۱، ص ۳۱۶.

۳۰. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۱.

الْحَسَنُ بْنُ الْمُطَهَّرِ الْعَلَاءِ فِي الْمُنْتَهَى نَقْلًا مِنْ جَامِعِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ
 بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الْحُصَيْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا اعْتِكَافَ إِلَّا
 بِصَوْمٍ وَفِي الْمِصْرِ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ. ۳۱

شیخ حرّ عاملی پس از نقل این روایت می‌گوید که محقق حلی هم از جامع بزنتی این روایت را گزارش کرده و ظاهراً نسخه آن به دست عالمان حله رسیده و این روایت را برای اولین بار گزارش کرده‌اند. این احتمال نیز وجود دارد که محدثان پیشین به نسخه و یا روایت اعتنا نکرده باشند. صاحب وسائل درباره این روایت می‌نویسد:

أَقُولُ: هَذَا مَبْنِي عَلَى عَدَمِ وُجُودِ الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ فِي غَيْرِ الْمِصْرِ
 غَالِبًا... ۳۲

جناب حرّ عاملی می‌خواهد از این روایت چنین برداشت کند که حضرت، مسجد جامع هر شهری را برای اعتکاف مجاز دانسته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که داوود بن الحصین از راویان کوفی است ۳۳ و با توجه به این نکته شاید منظور حضرت از «المصر» همان کوفه باشد؛ بنابراین این روایت هم می‌تواند در مقام تأیید جواز اعتکاف در مسجد کوفه باشد. البته از این روایت نمی‌توان انحصاری را برداشت کرد؛ چراکه حضرت به مقتضای حال راوی پاسخ داده‌اند و در روایات دیگر، بقیه مساجد نیز مشخص شده‌اند.

بنابراین روایات این دسته، به جواز انجام اعتکاف در مساجد جامع تصریح دارند و پیرو آن فقیهانی نیز به آن فتوا داده‌اند. بر این اساس، انحصار مشروعیت اعتکاف در مساجد چندگانه و اجماع ادعایی بر آن، شکسته می‌شود.

دسته سوم: مسجد جماعة

تعدادی از روایات مربوط به مکان اعتکاف با عنوان «مسجد جماعة» به مکان جایز برای انجام اعتکاف اشاره کرده‌اند. در ادامه این روایت مرور خواهند شد.

۱. انحصار اعتکاف در مسجد جماعة

برخی روایات به صراحت مسجد جماعة را به عنوان مکان مشروع برای معتکف شدن تعیین کرده است.

...عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ الرَّازِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَكُونُ

اعْتِكَافٌ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ. ۳۴

۳۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۱.

۳۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۱.

۳۳. ر.ک. نجاشی، ص ۱۵۹؛ رجال الطوسی، ص ۲۰۲.

۳۴. تهذیب، ج ۴، ص ۲۹۰.

قاضی نعمان مغربی روایت دیگری را آورده که تعبیر آن کمی متفاوت است:

وَعَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا بِصَوْمٍ وَ

لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدٍ يَجْمَعُ فِيهِ. ٣٥

در این روایت از عبارت «یجمع فيه» استفاده شده که می‌تواند اشاره به همان ملاک باشد؛ یعنی هر مسجدی که ویژگی موردنظر را دارد می‌تواند برای وقوف اعتکاف جایز باشد.

٢. مسجد جماعة در کنار مساجد خاص

عبدالله بن سنان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده است:

...عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ

الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يَصَلِّي فِي أَيِّ بَيْوتِهَا شَاءَ سِوَاءَ عَلَيْهِ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ أَوْ

فِي بَيْوتِهَا وَ قَالَ لَا يَضِلُّ الْعُكُوفُ فِي غَيْرِهَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي مَسْجِدٍ

رَسُولِ اللَّهِ ص أَوْ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْجَمَاعَةِ وَ لَا يَصَلِّي الْمُعْتَكِفُ

فِي بَيْتٍ غَيْرِ الْمَسْجِدِ الَّذِي اِعْتَكَفَ فِيهِ إِلَّا بِمَكَّةَ فَإِنَّهُ يُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ حَيْثُ

شَاءَ لِأَنَّهَا كُلُّهَا حَرَمٌ لِلَّهِ وَ لَا يُجْرُجُ الْمُعْتَكِفُ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي حَاجَةٍ. ٣٦

محور این روایت و سؤالی که از حضرت پرسیده شده، نمازخواندن معتکف در شهر مکه و خارج از مسجدالحرام است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ ضمن پاسخگویی به آن، مسجدالنبی و مسجد جماعت را هم در کنار مسجدالحرام معرفی می‌کنند. حضرت در این حدیث، توضیحی برای مسجد جماعت نمی‌دهد ولی «الف و لام» می‌تواند اشاره به عهد ذهنی باشد که مراد از آن را روشن می‌کند. مرحوم کلینی روایت دیگری را این گونه آورده است:

...عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سُئِلَ عَنِ الْإِعْتِكَافِ قَالَ لَا

يَضِلُّ الْإِعْتِكَافُ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ ص أَوْ

مَسْجِدِ الْكُوفَةِ أَوْ مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ وَ تَصُومُ مَا دُمْتَ مُعْتَكِفًا. ٣٧

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در این روایت پس از ذکر نام مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه، مسجد

جماعت را به‌عنوان چهارمین مکان مجاز برای انجام اعتکاف معرفی کرده‌اند.

٣٥. دعائم، ص ١، ص ٢٨٦.

٣٦. تهذیب، ج ٤، ص ٢٩٣.

٣٧. الکافی، ج ٤، ص ١٧٦.

در حدیثی دیگر، مساجد خاص بیشتری نام برده شده‌اند:

...عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا تَقُولُ فِي
الإعتكافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا فَقَالَ لَا اِعْتِكَافَ إِلَّا فِي مَسْجِدِ
جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ وَ لَا بَأْسَ أَنْ يَعْتَكِفَ فِي
مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ.^{۳۸}

امام صادق عليه السلام در این روایت برای مکان اعتکاف، ملاک مسجد جماعت را تعیین می‌کند و در ادامه توضیح می‌دهند که منظور، مسجدی است که امام عادل در آن، نماز جماعت اقامه کرده است. در ادامه نیز حضرت با عبارت «لا بأس» اعتکاف در مساجد کوفه، بصره، مدینه و مکه را جایز شمرده‌اند.

بر اساس این دسته از روایات، مسجد جماعت به‌عنوان یک ملاک برای مکان اعتکاف معرفی شده و مساجد چندگانه یا به‌عنوان مصداق مسجد جماعت هستند و یا در کنار آن به‌عنوان مکان مشروع برای اعتکاف تصریح شده‌اند. در یکی از روایات، ویژگی مسجد جماعت نیز بیان شده و به جایی که در آن امام عادل اقامه جماعت کرده باشد مسجد جماعت اطلاق می‌شود. در بیان برخی از فقیهان، امام عادل به معصوم تفسیر شده و اقامه جماعت به نماز جمعه تعبیر شده است.^{۳۹} نتیجه این نوع تفسیر، بازگشت به همان فتوای مساجد انحصاری چندگانه است؛ چراکه تنها مساجدی که معصوم در آنها اقامه جمعه کرده در چهار یا پنج مسجد خلاصه خواهد می‌شود. اما برخی دیگر مانند صاحب وسائل، امام عدل را اعم از معصوم و غیر معصوم می‌دانند. همچنین به نقل از ابن‌ابی‌عقیل گزارش می‌کند که مسجد جماعات در شهرهای دیگر برای برگزاری اعتکاف مجاز هستند.^{۴۰}

ب) بررسی مفاهیم و قرائن متنی

بخش پیش رو، پس از دسته‌بندی، تحلیل و ارائه نظرات فقهای متقدم پیرامون روایات مکان اعتکاف، برخی مفاهیم و قرائن موجود در روایات را مورد کنکاش قرار می‌دهد. تحلیل این مفاهیم می‌تواند در کاستن از اختلاف روایت نقش مهمی ایفا کند.

۳۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳۹. ر.ک: تحریر الأحكام، ج ۱، ص ۵۲۱؛ المقنع، ص ۲۱۰.

۴۰. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۲.

۱. مفهوم مسجد جامع

مسجد جامع یکی از عناوین به کاررفته در روایات مکان اعتکاف بوده که اختلاف در مفهوم آن موجب برخی اختلافات فقهی شده است. مسجد جامع یک اصطلاح شناخته شده در بین مسلمانان می باشد. مسجد جامع یعنی مکانی که مردم یک شهر برای انجام عبادات در آن اجتماع می کنند. جامع بودن در واقع صفت برای مسجد است و اگر مسجدی این صفت را نداشته باشد که مردم در آن جمع شوند، دیگر آن مسجد جامع نخواهد بود. این اجتماع می تواند به منظور اقامه برخی عبادات جمعی مانند نمازهای یومیه باشد.^{۴۱} طریحی معتقد است که مردم برای اقامه نماز جمعه در مسجد جامع اجتماع می کنند.^{۴۲} بر این اساس، علاوه بر نمازهای یومیه، نماز جمعه نیز باید در مسجد جامع اقامه شود. فراهیدی نیز اقامه نماز جمعه را دلیل اجتماع مردم در چنین مسجدی می داند.^{۴۳} اساساً روز جمعه را به دلیل اینکه مردم در آن روز اجتماع می کنند جمعه نامیده اند.^{۴۴} پس شرط بودن نماز جمعه در مسجد جامع جای تردید ندارد.

مساجد جامع، علاوه بر اقامه نمازهای یومیه و جمعه، به خاطر تردد و اجتماع زیاد مردم، کانون اتفاقات هر شهر بوده^{۴۵} و از مسجد جامع به مسجد اعظم نیز تعبیر شده است؛^{۴۶} چراکه در بیشتر موارد بر یکدیگر تطبیق داشته و مسجد جامع، بزرگ ترین مسجد شهر نیز بوده است.

در روایتی از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام جایگاه مسجد اعظم یا همان مسجد جامع به خوبی تبیین شده است:

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: صَلَاةٌ فِي الْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ
تُعَدُّ أَلْفَ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي
مَسْجِدِ الْقَيْلِيَّةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَى
عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَ حُدَّهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.^{۴۷}

یک نماز در بیت المقدس برابر با هزار نماز است و یک نماز در مسجد جامع شهر برابر صد نماز و یک نماز در مسجد قیبله و محل برابر بیست و پنج نماز و یک نماز در مسجد بازار برابر دوازده نماز است و نماز مرد در خانه اش به تنهایی فقط یک نماز است.

۴۱. ر.ک: لسان العرب، ج ۸، ص ۵۵.

۴۲. ر.ک: مجمع البحرين، ج ۴، ص ۳۱۴.

۴۳. ر.ک: کتاب العين، ج ۱، ص ۲۴۰.

۴۴. ر.ک: المصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴۵. ر.ک: الکافی، ج ۵، ص ۵۵۰؛ الإختصاص، ص ۵۱؛ تهذیب، ج ۶، ص ۱۱۱؛ تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۸۶؛ روضة المتقین، ج ۲،

ص ۹۹؛ إنبات الهداة، ج ۵، ص ۲۵۵.

۴۶. شیخ مفید اعتکاف را در مسجد اعظم جایز دانسته است (ر.ک: المقنعه، ص ۳۶۳).

۴۷. ثواب الاعمال، ص ۳۰.

مجلسی اول، ذیل همین روایت، مسجد اعظم را به «الجامع الكبير فی البلد»^{۴۸} معنا می‌کند. در این روایت مسجد اعظم یا همان جامع، در واقع مسجدی متفاوت از مسجد قبيله، مسجد بازار و مسجد خانگی هر فرد معرفی شده است. ثواب ویژه برای نماز در چنین مسجدی، آن را به‌عنوان مهم‌ترین مسجد در یک شهر معرفی می‌کند. بر این اساس، معقول است که در روایات باب اعتکاف در کنار مساجدی مانند مسجدالحرام و مسجدالنبی از مسجد جامع هر شهر به‌عنوان مکان اعتکاف یاد شود. این نکته نیز روشن است که مساجد تصریح شده در روایات همان مساجد جامع شهرهای مکه، مدینه، کوفه و بصره بوده‌اند.

بنابراین به‌تصریح روایات دسته دوم، اعتکاف در مسجد جامع هر شهر مجاز و مشروع خواهد بود.

۲. مفهوم مسجد جماعة

عنوان «مسجد جماعة» مفهوم دیگری است که سبب اختلاف میان روایات این باب شده است. دسته سوم از روایات مربوط به مکان اعتکاف، مسجد جماعت را به‌عنوان محل مجاز برای اعتکاف معرفی کرده‌اند. در این مجموعه روایات، مسجد جماعت یا مستقلاً و یا در کنار دیگر مساجد مشخص مانند مکه، مدینه، کوفه و بصره آمده است و یا به‌صورت یک ملاک کلی بیان شده و مساجد پیش‌گفته، مصادیقی برای آن محسوب می‌شوند. تنها در آخرین روایت از این دسته، مفهوم مسجد جماعت تشریح شده است. اینکه امام عدلی در آن مسجد اقامه جماعت کرده باشد، برای ساخت این مفهوم کفایت می‌کند.

ظاهر عبارت این است که اعتکاف در مسجدی که در آن اقامه جماعت شده جایز است. با این ملاک روایات این دسته، از روایات دسته دوم که به مسجد جامع اشاره کرده بودند، اوسع هستند و مسجد جامع را نیز در برمی‌گیرد. بحث اصلی در قیدی است که برای مسجد جماعت آورده شده و اینکه یک امام عادل در آن نماز جماعت اقامه کرده باشد؛ در این صورت «قید توضیحی» برای جماعت است و چه‌بسا راویان به‌سبب اینکه این ویژگی توضیح واضح است آن را زائد دانسته و در روایات دیگر، آن را ذکر نکرده‌اند. البته اگر «قید اضافی» باشد منظور نوع خاصی از مساجد جماعت خواهد بود مثل اینکه امام معصوم یا امام عادل شیعه در آن اقامه جماعت کند و یا اینکه نوع خاصی از جماعت مثل نماز جمعه موردنظر بوده است. با این حال، در ادبیات روایی این اصطلاح به‌صورت مطلق نیز به‌کار رفته است مانند:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ دَخَلَ سُوقاً أَوْ مَسْجِدَ جَمَاعَةٍ فَقَالَ مَرَّةً
وَاحِدَةً أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ
لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَدَلْتُمْ لَهُ حَجَّةً مَبْرُورَةً.^{۴۹}

۴۸. روضة المتقين، ج ۲، ص ۹۹.

۴۹. الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۹.

مفهوم متبادر از «مسجد جماعة» در این روایت مشخص بوده و برای مخاطب نیز هیچ ابهامی نداشته، همان طور که مصداق «سوق» روشن می‌باشد؛ لذا نه راوی سؤالی پرسیده و نه امام توضیح بیشتری داده است.

بنابراین خود عنوان «مسجد جماعة» سبب اختلاف نبوده بلکه قید توضیحی آن، یعنی «اقامه نماز توسط امام عدل»، عامل اختلاف شده است. در ادامه برای اینکه روشن شود منظور از امام عدل چه کسی است و کدام نماز باید در این مساجد اقامه شود، مطالبی مطرح خواهد شد.

۳. امام عدل

گذشت در روایات دسته اول و سوم این ملاک بیان شد که مسجدی برای انجام اعتکاف مشروع است که امام عادل در آن اقامه جماعت یا جمعه کرده باشد. از آنجا که این مفهوم و ملاک قابلیت تفسیر چندگانه دارد، یکی از مفاهیمی است که موجب اختلاف عمده در روایات شده است.

با توجه به اینکه برخی از علماء، «امام عدل» را به معصوم تفسیر کرده‌اند و «نماز» را نیز به جمعه تفسیر نموده‌اند، مکان‌های مشخص و منحصری را برای انجام اعتکاف تعیین می‌کنند. در مقابل، برخی «امام عدل» را به معنای عام آن گرفته‌اند که شامل همه مساجدی می‌شود که در آنها نماز جماعت و یا جمعه اقامه می‌شود و ذکر نام برخی مساجد در لسان روایات را دال بر افضلیت دانسته‌اند. بر همین اساس، اصطلاح «امام عدل» نیازمند تبیین بیشتر است.

برخی روایات اصطلاح «امام عدل» را برای معصوم به کار برده‌اند. قرائتی نیز این معنا را تقویت می‌کند؛ مانند:

بَشِيرُ الدَّهَانِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبِّمَا فَاتَنِي الْحُجُّ فَأَعْرَفُ
عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ
الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمِ عِيدِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ
عِشْرِينَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مَقْبُولَاتٍ وَ عِشْرِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَعَ نَبِيِّ
مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمِ عِيدِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَجَّةٍ وَ مِائَةَ
عُمْرَةٍ وَ مِائَةَ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَدْلٍ....^{۵۰}

اصطلاح «امام عدل» در این روایت، دو مرتبه به کار رفته است که به روشنی معنای امام معصوم را می‌شود از آن برداشت کرد و قرینه «نبی مرسل» نیز که قرین آنست، این برداشت را تقویت می‌کند. البته همین اصطلاح در مواردی برای غیر معصوم نیز به کار رفته است؛ مانند حاکم، قاضی و یا امام جماعت:

۵۰. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۰.

سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ كَانَ يَصَلِّي فَخَرَجَ الْإِمَامُ وَ قَدْ صَلَّى
 الرَّجُلُ رُكْعَةً مِنْ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيَصِلْ أُخْرَى
 وَ يَنْصَرِفْ وَ يَجْعَلُهَا تَطَوُّعًا وَ لِيَدْخُلْ مَعَ الْإِمَامِ فِي صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ وَ إِنْ
 لَمْ يَكُنْ إِمَامًا عَدْلًا فَلْيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ كَمَا هُوَ وَ يَصَلِّي رُكْعَةً أُخْرَى مَعَهُ
 يَجْلِسُ قَدْرَ مَا يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ
 أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ﷺ ثُمَّ لَيْتِمَ صَلَاتَهُ مَعَهُ عَلَى مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ
 التَّقِيَّةَ وَاسِعَةٌ وَ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ التَّقِيَّةِ إِلَّا وَ صَاحِبُهَا مُأْجُورٌ عَلَيْهَا إِنْ شَاءَ
 اللَّهُ.^{٥١}

مراد از «امام عدل» در این روایت، امام جماعت و غیر معصوم است؛ چراکه در ادامه می‌فرماید:
 اگر امام عادل نبود باید به شیوه تقیه عمل کرد. در نمونه‌های متعدد دیگری از متون روایی می‌توان
 این عمومیت را برداشت کرد که منظور از «امام عدل»، تنها برای معصوم به‌کار نرفته و یا می‌تواند
 شامل دیگران هم باشد و کاربردهای دیگری مانند امام جماعت دارد.^{٥٢} علامه مجلسی در شرح این
 اصطلاح، دو احتمال را مطرح کرده است؛ نخست اینکه قید توصیفی لحاظ گردد و منظور، امام
 معصوم باشد و یا اینکه قید اضافی باشد و عدالت (تشیع) را برای امام جماعت غیر معصوم اثبات
 کند.^{٥٣} شیخ حرّ عاملی نیز معتقد است که «امام عدل»، شامل معصوم و غیر معصوم می‌شود.^{٥٤}
 در متن روایاتی^{٥٥} که ملاک مسجد جماعت ذکر شده، نام چند مسجد هم به‌میان می‌آید که با
 تعبیر «لابأس» از آنها یاد شده است. این تعبیر می‌تواند نشان از این باشد که معصوم برای عنوان
 عام و ملاک پیش‌گفته مثال‌هایی را بیان می‌کند و یا اینکه مساجد با فضیلت‌تر را معرفی کرده است.
 افزون بر این، اضطراب در نام مساجد این احتمال را تقویت می‌کند که برای مثال، بیان شده باشند؛
 چراکه در روایتی چهار مسجد، در روایت دیگر مسجد بصره ذکر نشده و در حدیث دیگری به‌جای
 مسجد بصره از مسجد مدائن نام برده شده و...؛ بنابراین می‌توان مفهوم «امام عدل» را شامل امام
 معصوم و غیر معصوم دانست.

٥١. الکافی، ج ٣، ص ٣٨٠.

٥٢. ر.ک: الفقیه، ج ٣، ص ١٠٣؛ تفسیر القمی، ج ٢، ص ١٧٠؛ الکافی، ج ١، ص ٥٢٩ و ج ٧، ص ١٧٥؛ الامامة و التبصرة، ص ٢٥؛

دعائم، ج ١، ص ١٨٢ و ص ١٨٢ و ص ٣٤٣.

٥٣. ر.ک: مرآة العقول، ج ١٦، ص ٤٢٨.

٥٤. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ١٠، ص ٥٤٢.

٥٥. روایات ٥٤، ٥٦ و ٦ از دسته اول.

۴. اقامه نماز جماعت

روایتی که مسجد جماعت با ویژگی اقامه نماز جماعت بیان کرده، مشخص نیست که منظور از آن، نماز جماعت یومیه است و یا نماز جمعه؟. برخی از فقها این نماز را به نماز جمعه تأویل کرده و با پیش فرض امام عادل معصوم، مساجد مشخص شده را نوعی تعیین مصداق انحصاری دانسته‌اند. ابن‌ادریس در این باره می‌نویسد:

و لا ینعقد الاعتکاف فی غیر هذه المساجد، لأن من شرط المسجد

الذی ینعقد فیہ الاعتکاف، عند أصحابنا، أن یكون صلّی فیہ نبی، أو

إمام عادل، جمعة بشرائطها و لیست إلا هذه التی ذکرناها.^{۵۶}

در مقابل، برخی از شارحان و فقیهان نیز به ظاهر روایات تمسک کرده و قدر متیقن را همان نماز جماعت می‌دانند.^{۵۷} ظاهر روایات تنها به این نکته که در مسجد اعتکاف، باید نماز جماعت برگزار شود، تصریح دارند و گویا با قید «قَدْ صَلَّی فِیهِ إِمَامٌ عَدْلٌ بِصَلَاةِ جَمَاعَةٍ» از مساجدی که نماز جماعت ندارند و یا اینکه یک امام غیر عادل (عامی) در آن اقامه جماعت می‌کند، احتراز شده است. با این حال، شاید منشأ برداشت نخست را بتوان در «المقنع» یافت؛ شیخ صدوق در عبارات کوتاهی، چنین می‌نویسد:

و روی: (لا اعتکاف) إلا فی مسجد تصلی فیہ الجمعة بإمام و

خطبة.^{۵۸}

عجیب اینجاست که چرا شیخ صدوق رحمته الله چنین روایتی را در کتاب من لا یحضره الفقیه نیاورده است. البته اینکه آن را به صورت مجهول نقل می‌کند شاید نشان از عدم قوت روایت نزد او باشد. همچنین صاحب وسائل، متن روایی دیگری را در این باره گزارش می‌کند:

و نُقِلَ عَنِ ابْنِ الْجُنَيْدِ أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَوَى ابْنُ سَعِيدٍ يَعْنِي الْحُسَيْنَ عَنْ

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَوَّازَ الإِعْتِكَافِ فِي كُلِّ مَسْجِدٍ صَلَّی فِيهِ إِمَامٌ عَدْلٌ

صَلَاةَ الْجُمُعَةِ جَمَاعَةً وَ فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي تُصَلَّى فِيهِ الْجُمُعَةُ بِإِمَامٍ وَ

خُطْبَةٍ.^{۵۹}

۵۶. السرائر، ج ۱، ص ۴۲۱.

۵۷. ر.ک: مرآة العقول، ج ۱۶، ص ۴۲۸.

۵۸. المقنع، ص ۲۱۰.

۵۹. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۴۲.

اینکه روایت از ابن جنید، آن هم به صورت مجهول نقل شده و شبیه آن در منابع اصلی روایی

شیعه

گزارش نشده، نشان دهنده ضعف و عدم قبول این عبارت نزد محدثان متقدم است. همچنین درباره عبارت «الْجُمُعَةُ جَمَاعَةٌ» این پرسش پیش می آید که مگر نماز جمعه را می تواند به صورت انفرادی اقامه کرد؟! یا منظور از جماعت یعنی افرادی بیش از تعداد لازم برای اقامه نماز جمعه باید در این نماز جمعه شرکت کنند و تعداد حداقلی کافی نیست! البته صاحب وسائل در ادامه، روایت صدوق را مرسل و غیرقابل اعتماد دانسته و شرط نماز جمعه و خطبه را دال بر فضیلت می داند نه شرط لازم. بنابراین، شاید نتوان از روایات، مشروط بودن مسجد جماعت به اقامه نماز جمعه را برداشت کرد، اما در صورتی که مسجد جماعت بر مسجد جامع تطبیق کند، طبیعی است که نماز جمعه نیز در این مساجد اقامه می شد. پس قدر متیقن این است که نماز جماعت در مسجد اعتکاف شرط لازم است، اما درباره برگزاری نماز جمعه، مسئله مشخص نیست.

۵. حصر با ترکیب لا و الا

برخی از روایات عبارت «لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي...» را آورده بود که گویای نوعی انحصار است. «لا» و «الا» یکی از کاربردهای ترکیب برای حصر مطلق است. به نظر می رسد که برخی از این روایات، در واقع سؤالی درباره مساجد شهر تازه تأسیس است؛ مانند برخی از مساجد بغداد که در سیطره مخالفان بود. در حقیقت، مخاطب تصور می کرد که در هر مسجدی می تواند اعتکاف کند اما امام علیه السلام جواز را مختص برخی از مساجد می شمردند. زمانی که حضرت در پاسخ به چنین سؤال و توهمی از این ترکیب بهره می برند، درواقع، مساجد دیگری که در ذهن مخاطب بوده را دفع می کنند؛ نه اینکه دال بر نفی همه مساجد باشد.

با این توضیحات، نمی توان مراد معصومان را حصر مطلق شمرد؛ بلکه به نوعی حصر اضافی و نسبی را به ذهن می رساند؛ به عبارت دیگر، زمانی که سائل تصور می کند که در هر مسجدی می تواند اعتکاف کند، امام علیه السلام می فرماید فقط این مساجد جایز است و در حقیقت، نفی مساجد بغداد و مساجدی بوده که در ذهن مخاطب است؛ چون جامعیت و امامت امام شیعی در آنها وجود نداشت. شیوه پاسخ دهی حضرت دقیق بوده و پرسشگر نیز پاسخ خود را دریافت کرده و اساساً زمانی که یک موضوع در میان موضوعات بسیار، انحصار به یک حکم داشته باشد از انحصار نسبی استفاده می شود. نکته قابل توجه این است که در بعضی از روایات تنها نام دو مسجد و در برخی دیگر نام سه، چهار یا پنج مسجد ذکر شده است و در برخی از روایات، مسجد جامع و یا مسجد جماعه در کنار مساجد چندگانه قرار گرفته اند. همه اینها برداشت انحصار مطلق را مخدوش می کند.

نتیجه گیری

مکان اعتکاف از مهم‌ترین مسائل قابل بحث در موضوع اعتکاف است که اختلاف نظر فقیهان، متأثر از گوناگونی روایات این باب است. بر اساس تحلیل روایات مربوط به مکان اعتکاف، می‌توان آنها را در سه دسته، جانمایی کرد که در دسته نخست به نام مساجد خاصی تصریح شده، دسته دوم مسجد جامع و سومین دسته نیز مسجد جماعه را به عنوان مکان مشروع برای انجام اعتکاف معرفی کرده‌اند. بدون تردید عناوین مسجد جامع و مسجد جماعه قابلیت تطبیق بر مصادیق متعددی را دارند. برگزاری نمازهای جماعت یومیه و یا جمعه، شرط «جامع» بودن و یا «جماعه» بودن آن‌هاست. اینکه در مسجد جماعه نیز فقط امام معصوم باید اقامه جماعت کرده باشد، قابل اثبات نیست؛ بنابراین هر مسجدی که نمازهای یومیه و به خصوص جمعه در آن توسط امام عادل شیعه، اقامه شود و نوعی جامعیت اجتماعی داشته باشد، می‌تواند از مصادیق مورد نظر روایات باشد. به طور قطع، مساجد مکه، مدینه، کوفه و بصره و مدائن مصداق کامل و افضل برای معتکف شدن خواهند بود؛ چراکه علاوه بر شرافت ذاتی و دارا بودن ویژگی‌های دیگر که در مساجد جامع و جماعت وجود دارد، اقامه نماز جماعت به امامت معصوم علیه السلام نیز در آنها ثابت شده است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حرّ عاملی، بیروت، اعلمی، اول، ۱۴۲۵ق.
۳. الإختصاص، شیخ مفید، قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۴. إرشاد الأذهان، علامه حلی، قم: جامعه مدرسین حوزه، اول، ۱۴۱۰ق.
۵. إصباح الشيعة بمصباح الشريعة، قطب‌الدین کیدری، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۴۱۶ق.
۶. الإمامة و التبصرة من الحيرة، علی بن الحسین بن بابویه، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
۷. الانتصار، سید مرتضی، قم: جامعه مدرسین حوزه، ۱۴۱۵ق.
۸. تحریر الأحكام، علامه حلی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، اول، ۱۴۲۰ق.

٩. تذكرة الفقهاء، علامه حلي، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، اول، ١٤١٥ق.
١٠. تفسير القمي، علي بن ابراهيم قمي، قم: دارالكتاب، سوم، ١٤٠٤ق.
١١. تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ورام بن أبي فراس، قم: مكتبه فقيه، اول، ١٤١٠ق.
١٢. تهذيب الأحكام، شيخ طوسي، تحقيق و تعليق: سيدحسن موسوي خراسان، تهران: دارالكتب الإسلامية، چهارم، ١٣٦٥ش.
١٣. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابويه (صدوق)، قم: دارالرضي، دوم، ١٤٠٦ق.
١٤. جامع الخلاف والوفاق بين الإمامية و بين أئمة الحجاز و العراق، علي بن محمد قمي، قم: پاسدار اسلام، اول، بی تا.
١٥. الخلاف، شيخ طوسي، تحقيق: سيدعلي خراساني، سيد جواد شهرستاني، شيخ مهدي نجف، قم: جامعه مدرسين حوزة، ١٤٠٩ق.
١٦. الدروس الشرعية في فقه الإمامية، شهيد اول، قم: جامعه مدرسين حوزة، دوم، ١٤١٧ق.
١٧. دعائم الإسلام، قاضي نعمان مغربي، قاهره: دارالمعارف، دوم.
١٨. رجال (الطوسي)، شيخ طوسي، تحقيق و تصحيح: جواد قيومي اصفهاني، قم: جامعه مدرسين حوزة، سوم، ١٣٧٣ش.
١٩. الرسائل التسع، محقق حلي، تحقيق: رضا استادي، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي، اول، ١٤١٣ق.
٢٠. روضة المتقين، محمدتقي مجلسي، قم: مؤسسه فرهنگي اسلامي كوشانپور، دوم، ١٤٠٦ق.
٢١. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، محمد بن احمد بن ادريس، قم: جامعه مدرسين حوزة، دوم، ١٤١٠ق.
٢٢. شرائع الإسلام، محقق حلي، بيروت: مؤسسه الوفاء، سوم، ١٤٠٣ق.
٢٣. غنية النزوع، ابن زهره حلي، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، اول، ١٤١٧ق.

۲۴. قواعد الأحكام، علامه حلی، قم: جامعه مدرسین حوزه، اول، ۱۴۱۳ق.
۲۵. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامية، سوم، ۱۳۶۷ش.
۲۶. کشف الرموز، فاضل آبی، تحقیق: علی پناه اشتهاوردی و حسین یزدی، قم: جامعه مدرسین حوزه، اول، ۱۴۰۸ق.
۲۷. کتاب العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲۸. کتاب من لا یحضره الفقیه، ابن بابویه (صدوق)، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۲۹. لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دارالفکر، سوم، ۱۴۱۴ق.
۳۰. مجمع البحرین، فخر الدین طریحی، تحقیق و تصحیح: احمد حسینی اشکوری، تهران: انتشارات مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
۳۱. المختصر النافع، محقق حلی، تهران: موسسه بعثت، دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۲. مرآة العقول، محمدباقر مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامية، دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۳. المصباح المنیر، أحمد بن محمد فیومی، قم: نشر هجرت، دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۴. المعتمد، محقق حلی، تحقیق و تصحیح: تحت اشراف ناصر مکارم شیرازی، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، بی تا.
۳۵. المقنع، ابن بابویه (صدوق)، قم: موسسه امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۵ق.
۳۶. المقنعة، شیخ مفید، قم: جامعه مدرسین حوزه، دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۷. النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی، شیخ طوسی، قم: انتشارات قدس، اول، بی تا.
۳۸. وسائل الشیعة، شیخ حرّ عاملی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۹ق.